

دیالپیکتیکی زات و بابهت

لیکوئینه و یه که لمبه روشنا یی فه لسه فه که هیگلدا

نووسینی
محمد مدد کہ مال

تم دو کشته شده بکند. بیز فونوفه شوپنهاور (Hedonismus) به شاگردی کانت دانسته ای (will) نیز است و سوپردرمانی ماتریالیستی (Universal) نیز است. همینکه کوسمولوجی بجهانی ماتریالیستی، یا جهاناندا پرش و پلاریتوده و سروچارهای جهانی ماتریالیستی، یا ده تواین بینین که جهانی ماتریالی فزمنی ثبو ویستیده (4). تیراده، کهابوو، لای شوپنهاور و هکو تهدی سوپردرمانی فلسفه کی نیتشه راستیه کی نهادنیزی و همه کیبی Universal، توانا و نیزی مرغفیشک نیزی، بدکو توانا و ویستی مرغف شیوازیکه لدو تیراده، جیبناشی، هدروهه شوپنهاور لدو باوره دایله که سیفانه همه کی نهادنیزی و همه کیبی که ده تواین ده کات که تا واده بک نادیار بین، پاخود مرغف نهادنیزی و همه کیبی که ده تواین ده کات که رندا کوتی و نام هیزه میتاپیکیبی که گاردون به دورگه کی شاراوه و نهپنراو دانانی. لک کاتیکنا مرغف تیراده کی خزی ده زانی، بدهشک با شیوازیکی ویستی میتاپیکیبی که دی زانیکی، که باید تینیکی ماتریالی ده بینین شیوازیکی ثبو ویستهان دیو، چونکه تهدی هدیه فرزی نهادنیزه (5). جاکوبی Jacobi⁽⁶⁾ لک بیچونونیکی روماتیکیبانه و سوپریکارانده بوز مدلله که چووه؛ ناسینی جهانی میتا. ماتریالی به هست و نهسته ده پسته توده و نک ده درک کدن یا زانینیک بدهزی عدق و مهنتیه ده، بدلام تایا ثبو پدی بیزه بدنده چونه؟ شلایدر ماختر Schleiermacher⁽⁷⁾ که زانینیکی تری ثبو ساردهم بورو و پشتگیری راکه کی جاکوبی گاردوه، ثبو جزوه هست کدنده ده گهربنیشنده بوز سفر هدستی نایینی، ثبو جزوه هست و نهسته که مرغفیشکی خوابدرست هدیتی و پنی وایه هنریک هدیه له کاتی تندگانه و ناخوشیدا دستی بهزی و بارهتی بوز درنیکات Feeling of dependence، ثبو بیچونونهش وای له هیگل کرد بلی؛ «پهراوی شلایدر ماختر سه گیک ده تواین بینیت به خواناسیکی گدوره»⁽⁸⁾. چونکه به تسانی جزوه هستینکی و لای سه گه پهراپنر خاوهندگی هدیه. لدلاپکی ترده شبله لری شاعیر و شیلنگی قده لسوسو ثدم زه مینه سوپرگریبه جاکوبیان جهینیشنده و پهانیان بر دنده به هوندر و تهدزموونه هوندریبه کان، بیز فونونه زانی شاعیر له تهدزموونه هوندریبه کیدا له پاپنیت شیعره که جیانابنده، یا وکوو باید تینیکی زانستی له ده رهی زانی شاعیره که داده نیبی، بدکوو له تانو زانی ده زانی و هدرد و دوکیان یک شت، ثنم بیچونونه هوندریبه و دندی شنیکی نوی بیز و بوز یه کدم جبار ثنم دو زانایانه باسانی کرد بیت. له پیش نهمانده کاتن له کشته کیدا له پاپنیت شیعره که جیانابنده Critique of Judgement

نهذموزونه هوندریبه دواوه، نهمان بش چونونه توده سدر تیوریه کس بیرون هولیان دایبت چاره سدری

باشد راسته و خون یان تاراسته و خون لدان او باسکراو، نزد جار ثنم پهونه تندیبه توچیجیانه خون کراوه و پهستاروه به همانی جاریش مدلسله که به یکنکه لدو زانایانه له روانگه کی کی نیشند کی کردووه و زات و بایده به پهونه تندیبه کاتن نیانی بهداره کی هدو، پهونه تندیبه کاتن تاکوو هدو لونسته دووه لیستیه کاتن تاکوو یه کن سلبیدا خنده کردووه و توانا و زانی کدم کرد توده. لمبهر ثنم هزیه له فیخته⁽⁹⁾ و بز هیگل،

نه سردهم رهخندهان له بیچونونه که دی زات پکن به سفرجاوه گزنان و جهاناندا سفرهای نهدهش کاتن جهانی Thing-in-itself نزینه با میتا-ماتریالی که دکونیته بوز دیو جهانی میتاپیکیه و نیزه نه زانینیه، که ثبو جهانیه هدهش کافان کاتن جهانی نزینه با میتا-ماتریال سلالاتی عقدله و مرغف هرگز نهم

کاتن تاکو را ده به ک هدنگاوارانینیکی ناندیه، چونکه زانین به والینکی استه کیوه و ده بسته توده. بدلام کم و بدهانی تهدی توچیلی زانیاری لمباروی هر واوی پنهاندهاوه. ته گار عدق لنه تواین ببری، چون ده زانین جیهانینکی نادیار راهی من هراکردنی کاتن به جهانی تایپه بدهیه که دک فلسفسی، تایپه کان بچینه نهاده بروایان پنی هدیه و لینی ددونن مقلاقلاتی) و لعاوه زده در و کریانده.

به، که کاتن له لایدکوهه زات و بایده تی تریشده بروای بجهانینکی نه زاناراو و له نهیون کاتن و زانایانی پاش کاتن له بیجهد کان برون.

* * *

- تز چیت؟
- من کرم.
- نه!
- هینم... سه گرم... پشیلم... عالااو... عالااو...
پنکا دایانه قاتای پنکانین، ثقفسدره سدرپروتاوه که، بدده

قاتای پنکانینه و گوتنی:
- واتا... باشت.
- عالااو... عالااو... حدب... حدب...
- باشت...
- عدب... عالااپ... حالااو... حبیا...
- بسسه... زر زر باشد، ده پنیم بلنی دهی... تز چیت؟
- هینم... سه گامانی نا، کدمن کدمن... نه... کدمن و سه گامانی
- نه خیر تز ندو شنانه نیت، تز قاره مانی
- من قاره مانی
- تز پای او
- من پیاوام
- تون...
- من...
- هینی... هینا
- هینم... هین
- تز سنوری ولاست له چته و پیاوخراپان ده پارنیزی
- من، سنوری ولاست له چته و پیاوخراپان ده پارنیزی.
- تون...
- من...
- تز گل له هدمو شتینکی چتدکان بردده دهی.
- گری تون به رده ده
- تز دستله هیچ گهس و هیچ شتی نایپارنیزی
- نایپارنیزما.

* * *

عزده بیان له گرمایی بدندیخانه کده هینا، دستی جلی بدله
به لمه کی سدنر بازی که لیدردا بورو، پاک و تمیز خوش شوستبرو، جو
ریش تاشبیرو، پنلاری بیزاخرا کواری لپنیدابون. عوده عزده بیان
نه بیرو زده لامکنی چاواکز و گرزو و گول بورو، چوار خفتی درش بدش
با زاویه و بیرون، ندو دووه که هیچ نه نهانه پنی نه گدن، بدحوره همه
بدنه نشیتیبیده بدره و ژورره فراوانه که رینان ده کرد...

- فرمرو ریپس، فهمو دانیشه
عزده کی گز و مزن، به اندره نه قفسدره کد. دانیشت.
- رهیس... په رله و هی تشریف بینیته تیزه لکوی بیوی؟
- قور بان له گرمایو بیو.
- مهده استم ندو بده لوهی بنتیه نه بدندیخانه.
- باره گای گستیمان له کدر کوک بورو و فوجه که شمان
(هدیبدت سوتان) بورو.

- ده تدی بگرفته و شوتنی خوت؟
- نه خیر... ده دهی بده و سدر و دتر بر قم... بز ناوجه رگه بیان!

* * *

زلام بیون به پنچ، دست و پنچی عزده بیان توند گرت،
پددستیانه و دله لزی، رور و قوتیان کرده و هاوایی ده گمیشه
تاسمان و له ژورره که ش بدولاوه نده بیسترا... نینیوی داد، دگریا،
پانگ خواری ده کرد، گواویش بددم شدق و سوئنه و دشانده و ده
لدموای یه که وزاری پیسی خربان هلپشت و هدوئی چه دلی خربان
دامر گاندانه و...

«نه خواااا... تاسمان!... شهستان!... من چیم کرد بیو چی یی؟»

نه خیر دیاره کارنگی زنر خراپم کرده و به خرم نه زانیو، مندانی
کوره گهوره بن به چن دهن؟ خن تابنه ده ملایکه کدت؟ ده بنه چه ته،
کوره رونگه هدر به چه تهی بینه دنبیاوه، همزگوتیان بز نویز و
خوانانی نیمه، همزگوت ده گدن به بنه و باره گا. ندو پیاوه پیره
سه گنجی بش یا کونه چه تهی بکه پیاوخرا کوره بورو با واکنکه و چه تهی
پدره و رده کرد و رده... تاخ، بز و ام به خرم کرد؟ نایب عذریف زیاب
لهری بدندیخانه، هدر به فشه جوروتی شاخته رویشی له سدر باسکی
چه سپس کرد. عذریف نایف جبوری خدت و مهت لی فری دا و یه ک
نه خنده سوزنی بدلا ملی خربه و نوساند، نینیش نهودی هشکه
له دستم دا... خدت، شدروفری دایکم و پیاوادتی و گرامادتی خرم...
بز... تاخ بز؟ بدلام سید زنر جاری فه رموده مثال ندگر هی
دویشیش بن من توانان... گوشتنی خلکن یه ده سلالت و من توانان
گونا یاهیکه قدت ناشوریشندو... همزگوت مائی خربه؛ چی کمک؟ چم
پک دیباهه؟ ته مانه بز شده فن، نه مانه ارنده دنده... تاخ نه مانه...
خدریکه بیدهنت لهدچاروم تدله دهی، دوواری نه بندیخانه ده
رووختاند نایه، در گاکه له شکاند نایه، تا بال گرم و نه رمین
خوش بیو فیزی ده کم، له مهتریسی دووریان ده خدمده، له کوشان
ریگاریان ده کم، نزیش سویاس ده کمن، چیا و بدفیان پی بدهی
دینام...»

تقدیقی قولل و زری زنجهبری ده رگا، زنجهبری بیوی عزده بیان
پساند، بیوی هاتنه زنجهبری، په تکنیک به قوله بیان له مل کرد، یه کمک لهو
سی زلامه زده لامه بیوی هاتبوونه ژورره، په تکنیکی راده کیشا و
عزده سوک لهدکل دستیدا برقی.

- حیزی کوبی حیزی بکده سدر چوار پیدا
- ...

شقیقکی به پوستالی تی سره و ندرارا... عزده کدته سدر چوار پیدا،
به کینکیان سواری پشی بورو و نهوری تریان په تکنیکی راده کیشا و
سی بیدهیشان لهدکل دستیدا برقی.

- هچچه برقی...
- به خوا کدن کنی دیزی سه گتاب خنیه، بدلام بز باداری باشد.
- نهوانی دی قاقا پنکانین.
- بوره داهیک جیزا
- کوره نهده کوره خز سه گ نییدا
- کدش بی دهی بوره.
عزده جاری ده زری و جاری ده زری، جاری ده زری اند و جاری
ده بیوقاند... هرچاره و بدکنیکیان به کنله و ده گرت و ژورره که بی
ده کنکه، زدیه چشم تزیز کاره گر غمکر غمکه که ناو لهی و سدر
چز که کانی تازار دادا، بدلام بدکنکه فرمانی نهوان ده نگی لی بدرز
ده کرد و ده، ای لی هات بیهی فرمانیش دنگی لی هدلدیهی...
- ده زد زدی... ده زدی...

یدلکو به پایه‌نشکی ماتریالی داندیشت نه که مروف. که واپس خواهد
گزینه‌له که له کوتایی جدنگه که داده له لایدن مرؤثیتکی تردوه دانی پندا
نه فرازه.

- خاوند کوئلہ زاتیکی تدھمل و ہی کارہ (Passive)، لٹاوا دہریا ہیدنوتستبدنا نو قوم ہو، خاوند ہیچ داهینان و گوئینک تبید، باہتہ رسوشتبیدے کانی دوروہری تاکنگنیت، چونکہ کوئلہ کوی کاری بپن دکات و تارہ زوروہ کانی تبید دکات، کوایبور تمو زاتی جیہان د، گزبری و جالاکی دنونیتی زاتی کوئلہ کوید نہ ک خاوند کوئلہ کہ، گزبرانیش، واٹہ زات باہتہ کوی پہراہمیری داکیر دکا و تمو کالائی پیدا ہیلا دہمیری کہ خزی دہمیونت، کوئلہ کہ لام حالت ددا خاوند و استقہقینہ پدرھمہ کوید، تنجا تازادی بہ راوی میکل گوپان و کارگردان، نک تدھملی و بینکاری و خدو و خدیال، بپنی دتوانین بملین، کہ سرفہمیستی راستہقینہ لملای کوئلہ کہ، نک خاوند کوئلہ کہ، سیدھمل ددادات.

- ۳- زیان و خوشی و راپوردانی خاودن کزیله که باره‌تندی پدرهدهم کزیله کدیده. نمگر کزیله که له کارهههستی و اواز له پدرههم هینان بهمنی، خاودن کزیله که لمبرسا هدرمی، سدوهاره سولمه زستان درق ده کاتتهوده. ثمهو جهیمانی خاودن کزیله که شاتانازی پیشه ده کات و به جهیمانی خنی دادنی، به دست و باززوی کزیله که هدچترههود و دیواره کاتنی پدرهزکارونهههوده. راسته کزیله که مولکنی خاوه‌نده کیده‌تی، پهلام مولکنی خاودن کزیله که پدرههمی کزیله کدیده، زیانی خاودن کزیله که بستاره پدرههمی کزیله کاده. کهواپور خاودن کزیله که ناتواند نسبه هنونکه شان. لوسه شان. کزیله که بستاره.

خواهند بود. مگر آنکه میتوانست مسخر شوند و نیازی
داگیر کردند زاته که بدان امیدارند که هدایت نام همان هدایت میتوانند بدهند.
مادام کزیله که دشمنها هیزینه که جیهان ده گزبری، روزی دینته کایه و که
مانان یزدان و سعدیه مستی دددوزنده و چند گذیکه خوشناختی تر
بدراند بر خواهند که بدراند باد کات. زریخار له میتووشدا و روویداوه،
که کزیله که هستی به بونی خزی و سعدیه مستی کرودووه به لام
نیدویزو او ثالانی چند گذیکه هدایات و بدان امیدار خواهند که راو و مستی،
لهم حالت دهدا هینگل دلیل که کزیله که له زنگایه کی تروده نه ک به

جهانگ (چونکه له مردن دیدرسی) ^(۱۷) هدول دهاد راستی
سنه استیکه که بدینزنشده، دباره بهدوای پیاووه کدا ده گفری، که
خزی له دادست جهانگ که رزگار بکات (وه کرو وجوهه کان ده نین
کنیله که خزی همه له خلده تینی)، له بری خهبات کردن خزی ده اته
دست کرمدلی پیروها و ده وکو رو واقیم، Stoicism، گومانکاری
با پیروها و دی تایپیشی Unhappy consciousness ^(۱۸)
که به رای هیکل نهم پیروها و آنه تایدله لوزیه تی که بالایه تین و مرؤث
له کوت و زنجیری چوسانندنه و دهن بازانگهن.

ترس له مردن جارنجي تر هيزوتوناتي کويله که ده روختني و رينگاهي نادات دام و ده زگاهي کويلايده تي تغفوتوناتاکات، له همان کاتيشدا کويله که له تنه جامی کارکردن و بدر هم هنديندا گيشتته ته و پروایه ي که سره بديسته و پيوسيته به کويله ي نه منشيشه و هيچکل ليرداده او بزن دهچي که کويله که ثاما ماده جد نگاهه نهيه و برواشي به سره بديسته هايد، بون تهوده خزي رازي کات و بگاهه قناعتنه تينك زاتي، بوروني سره بديسته هاگه گارنېشنه بزن بير (فکر) يا جهانئي تا ووهد زات، مادام له بيرگردنده و خدحالا و ئندىشىدا سره بسته و

یدکم و دکم که چون حداز له تاو ده کات و ده دیوی بیوئی تاوه که رفیکات و پیغامه سهور بیوئی خزی، تاوه هاش دیده ویت زاته که ده رانه هری رفیکات و پیگات به مولنک خزی. هیگل نهم زوزانیا زیمه

میتوانید بگویید که کارکنی تهذیب‌خواهی و هدایت داده‌اند، و نینده‌گی تاریکی
زیانی کوچمه‌لایه‌تیمان پیشان دهدات که له لای مارکسیسمه کان و
وجوبیه‌کان به چدوسانه‌ودی چیزی‌ای تی ناسراوه. زاتی به کدم
هزارده‌کات بیونی سپله‌لیندرت، زاتی به رامادری بخاطه ژئر ریکنی
خزیده و پرسدن‌بستانه بزی، هیچ هیزنکی دهاره‌کی حذر و
تارازو زده‌کانی نهندستیته‌اه، چونکه بیونی کسانی تر دهیشه هزی
پدرزین کردتن سنووری تدو زاته، داگیرکردنی سدن‌بستیبه‌کاری،
بچو کرکدنو وی جهانی، بدلام زات چون ده توائی مل به زاته‌که‌ی
پدرامادری دانه‌ونی؟ له کاتینکا تدو زاته‌نش و دکو بیونه‌ورنکی
هزشمه‌ند بردا به بیونی خزی و سدره‌ستی دهکات، له کاتینکا تدو
زانهش، دیده؛ زاته‌که‌ی، تدو دهست بکات؟

داغیرکوگنی زانینکن تر مرۆف دخاتنه تاو چندنگی مان و
نامهانو، هەدوو زاچەک له چەندنگىکى خۇنىاپىدا بەراپىمەر يەكتىر
واراد و سەست، بەمەرچىنگى نایانىدوی يەكتىر بىكۈن، چۈنكە مردىنى
يەكتىنگى له زاچەكان كۆتايىپ بەھەزىز داگيركىن دەشىنەن، زاتى
يەكتىنگى نامى بايدۇي زاتى دودوم بىكۈزى، چۈنكە پۇيپۇستى پېنىھىدىن بىھىن
بۇزى، بەلام و كورۇ مەرقۇشكى سەرىپەست نا، بەلگۈر و كۈزلىپىدەك.
لەم چەندنگە خۇنىاپىدا دەۋو زاتىدى ترسى مردىنى دەكتەنەت دەلەو و
حەزىزەدەكەت بەپەر شۇويپەك كى بىرى، تەنەنەت نەڭار قاچ و
دەستىشىسى بەخەنە تاو زەنچىرىۋە گۈرگۈ نىبىيە، ئەۋا ئىبانى كۈنلەيدىتى
ھەدلەپتۈزۈر و اۋاز له چەندنگىكى دەھىنەن و سەر بۇز زاتى بەراپىمەر
شۇرۇدەكەت و دەھىن بە مۇلۇكى، زاتى بەراپىمەر كە له چەندنگەكەدا بىن
باڭكانە گىغانى خىزى خەستە مەترىسيپەر و كىغىنى نەنابەرە مردن، ئالائى
سرەكوتۇن بەرۋەزە كاتانو و دەھىن بە مەرقۇشكى سەرىپەست و خاۋون
كۈزلىپە، لەوانىدە لەدەگەن ئەتم تۈزۈرە سايىكىر - تەنتىلۇزىجىبىيە ھىكلە
رېنەتكەدون، يان را و سەرەغىن تابېتىشان بەراتىپىرى ھەبىت، بەلام با
وازانلىقلى بەھەنەن و بىزازىن كۈنلە و خاۋون كۈنلە، يان زاتى كۆئىشەر و
كۆئىلەر ج گۈزانتىنگىان بەسەردا دىت؟

خاوند کزیلکه دوای چندکه خوینا و پیوه که دیپنه خاوند سروش و خاوند زانه که تریش. زانه کزیلکه دخانه بیز زهور و نزد خاوند و کاری پینده کات تاکوو سروشوشی بیز بگزی بیز تمو چیهاندی خدیز لی ده کات و تاره زوده کانه ای بین تبرکات. خاوند کزیلکه لدم باز روزنگرددا هیچ کاری ناکات بدلام هممو شتیکه هدید، کزیلکه کاش هممو کاری ده کات، پایه ته خامه کان ده گزی بیز کالا (سلعه) بدلام هیچی نیمه و هیچی نادرستی. سه دره رای تم هممو دسکوتانه و ژیانه قفتازیه ده راهه سر که رکوره که، هیگل براوی وایه که زانیکه دروسته خاوند کزیلکه دهیده بدلام سدره است نیمه. بدلا کو لالای کزیلکه دستی لالای خاوند کزیلکه که نیمه، بدلا کو لالای کزیلکه که تم بیچونه و هیگل مارکسی گهه بازهه تمو براوایه که چینی چه وساوهه تمنی هیزینکی خدیبات و تازایه دیده. با بزانی هیگل چه لانگیکه بیز تم کشندیه داناوه:

۱- بیز تکودی زانه سدره است بین، تدوا دهی له لایدن زانیکی سدره است تردهه دانی بیندا بتریت، بدلام چندگه خوینا و پیوه که بیدکیک له زانه کان ده کات به کزیلکه و سیفاته مرقا و یاهه تبیبه که لی داده مالی.

خانه: کزیلکه ده ده: مه مهانهه و ده تمهانهه که ده کارهه: خانه.

به تینکار کاری گردش سفر مارکسیزم و وجودیت و پرآگهایتیم و بروه به خالنکی هابدشی نیوان هیگل و ثم سی قتابخانه‌ی نامان دردن.

بز گزیرانی هرچ باید تک له دور و بوره ماندا، یا بدده است هینانی
نهو بایته، زات دهینی حذی لی پکات، چونکه میچ گدشی له نینمه
تایدوی باید تک هدی حذی لی نهکات و پئی خوش ندیبت. حذی
Desire، زاراویده کی فلسفه‌بیه، هیگل کرد و بوره تی به چاوه
دیوالیکتیکی کارکدن. له هدمان کاتند به رای هیگل حذی دهیبت به
هزیله ک تاکو رو زات هست به بورونی خوش پکات (خود- تاکایی) یا
(الوع، الذات) - (Self consciousness - (۲۰)).

کانی تینوووه و حذز له تاو ده کدم، تهم حذزه سی شتم بوز
روونون ده کاتهودو: بده کدم: من تینوووم. دوووم: حذز له تاو ده کدم،
سی: بدم تاو حذزه حذزی منه. من وه کو زات توانيم له رنگای
حذزه که مدهو درک ب پایه تدکه کدم و هدست به بورون خوش بکم.
تنهنجا تاو حذزه هامن دهدات پایه تدک بکم به مائی خرم و رفیزی
بورونی بکم. که پرداختی تاو ده خمزه ده رفیزی بورونی تاوه که ده کدم و
ده بکم بده شینک له بورونی خرم، پایه تی حذزه کدم و زاتم دهن به
پدک و هیچ جواوازیه کیان له نیواندا نامیتی. حذز هینزینکی
بنینگ تهیی به Negative و له دیالیکتیکی کارکردنا سدرجاوی
کورانه کانه.

کدم ده ریازین، خونان گهیانده قوتاخنخو دودوم Perception → کچی
م قوتاخنخه نزیبه ناکزکی نونی خستتوه بدرده مخان، لدایه کدهو ده لین
دکه باده تنهک، تابیدت و دیارکاروه، لدایه که، تریشهو کزمدنی

غافقات همده کی دهد چند پالا۔ تکه گار باهیدنیک تاک و کومدل بینت
نندگی و محمدگی بینت جگه له ناکوکی هیچی تر نیه، و هکو تمه
به پلین شور تاریکه و روتوکه کیش، یا پرتوکه کی سدر هنوز کم
ک شد و زور شیشنه. ناکزکی تهم قزاناخه کول به زات نادات و
نکو دهی به هاندزینک بپرده سدن و خزگه باندن به قزاناخنیکی
وزرت بهناوی تینگه شتن، (فدهم) دروی تاووه و
دره ووهی باهیده که دست نیشان ده کات. به رای هیگل «تینگه شتن»
واقعناخه دیالکتیکی زات نیه، چاره سری ناکزکی بیهگانی قزاناخه پیشوامان بپ
حکایت، هدروهه لدبری نهوده ناکزکی بیهگانی قزاناخه پیشوامان بپ
سات، هی تازی له نیوان دبیری تاوهه و دبیری دره ووهی باهیده که، یا
وههده و روآلتی باهیده که دا بز دروست کردوبین (۲۳). کانت بر اوی
دووه نیهی که قزاناخنیکی تر لدوبیری تهم قزاناخه هبیت، ناکوک
چاره سری ندم ناکزکی بیهگانی، بزیه له ثدچاما دبیرانیکی
ستوری له نیوان دبیری تاوهه و دبیری دره ووه داد دروست کردوبه و
شنبغا دبیری تاوهه ووهی به شنیکی شواروه و نادیار داناوه، کوششه کانی
لمسر پنچیسته دیده که منیزیم monism، تهم مهسله دووقاقدیان
جنویشته شوروه و چاره سری شیان بپ ناکزکی بیهگانی دزیزه ته دهه.

یه کام: پروای بوده نهیبه که گوهدار لایه‌ینکی شاراوه و نهناسراوی
وونن بنت، راسته گوهدار یا بهدستیک له روال‌التنی باهده تکه ناچیت،
لام گوهدار و روالدت و دکو دیوی دهروهه خانوویک و دیوی
وودوی هدرگیز له یدهکتر جیاناکرینهاده. هروردوها روال‌التنی باهده کان
وونن بدهره و خنی بوزمان ده‌رخسته‌ووه، بهدی خوده‌رخسته‌که بورونی
ایمی و زاتیش هیچی له‌باره و نازانی، کدا بابو له‌کاتنکدا روال‌التنی
بهدستیک ده‌خوشینهاده، گوهدار یه دنایس. دووهم: نئم جزره
نیکانه‌ووه و پستندادی دیوی درهوه و دیوی ناوادوی باهده کان و
چاهه‌سرگردانی ناکزکیه‌کانی نفوایانیان له ده‌سلاتی تینگکه بشتنا
بیمهه، بهدکر رات بون نئم مدهیسته خنی ده‌گاهی‌تینه قزوخانی عدهق.
عدهله هموو لا‌ینه‌نکی باهده تکه ده‌خاته پدر روزشانی زانین
Reason: په‌وردي نهیبه‌کان لاده‌بات، عقدله دیوی تاواده و ده‌دودی بورون
وکات بهدیه ک و بورون بون بیر (فکر) ده‌گزبری. رات خنی له تاسی
باپدستیکدا ده‌بینی، که له ناخچی‌می گزرنانه‌کانه‌ده و هکو خنی
مه‌ماهه‌وتدوه و بوروه به یا بدستیکنی تایدیاهاي، بونه هیچ جیوازیه ک له
نخونان نهوده باهده و زات‌دا رهچواناکنکست و زات به مرکنی خنی داده‌نی
ر له‌گلیندا یدک ده‌گری، و دکو هیگل ده‌لی؛ زات ده‌گه‌رینهاده بون

دیالیکتیکی زات و هکو هیزینکی گفتهان و رهت کردنده، تدنبای خوشی و نهدست نامهنه و عویضه ره رخاری دیده بیه.

دیالیکتیکی زات و هکو هیزینکی گفتهان و رهت کردنده، تدنبای لایهنه تمیزی زات ده خاتمه روه، زات له رنگاه خونیندهوهی باهدهه که که تواني باهدهه که بگزینی بون بیر و بیکا به مائی خزی.

لالمام لایهنه تمیزی بدهی لایهنه پراکتیک (اکارکردن) (Labour) تختلهه اداره و جههانی مارتیلی بون جههانی زات ناگزوری. بزینه هیگل مدهمه شدهه نهودستهه و تمیزی و کارکردنی بدهولالاینه پنکدهه دهستاره و تدواکر داناوه. له دیالیکتیکی زاتدهه دهپرینشهه بز دیالیکتیکی کارکردن Dislectic of labour، زانین دهی به هیزی گفتهان و درونکی پراگاهاتیکی له ئیاندا دهینه، نهم بزچوونهه هیگل

نگردووه، تمدهش به تهنيا راي وجوديه کان تبيه، بدلكو راي زور
زانای مارکسيين تمدريشه و هك جزوج لوكاش و نادم شاف^(۲۳) و
روزجهه گارورو دي^(۲۴)، همدو هم زانايانه لعو باوهه دهان که کونمددگانی
سوشاليزم ريشه هدمو شيوه کاني تاموزي له بمنجا درناههيني.

زانکوی که راچي / پاکستان

ئىندره کان

۱- کانت، نماذل^(۴) (۱۷۶۴-۱۸۱۰)، فولمسوفی نهانی، له شاري
كونگس برگ Konigsberg Critical philosophy
و خانگي اناسراوه،

Subjective Idealism

۲- فيخته^(۱) (۱۸۱۴-۱۸۶۷) فولمسوفی نهانیه و ملassefde کدي به
نهودي کاري پکات بيرر لى ده کانتهوه و مهسته کدشى للا شاسکرا
و رونون، تەنچا بيرارادنیش لسىر کارىك هەلپاردن و سەرسەتىي
مرۆژهه کە پيشان دادات. من نامەنی لېردا ماركسىم لە روغانىيەكى
و جوچيادونو لېك بىدەمەو، بەلام هەممو کارىكى بە تاۋۇز و
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكات و مرۆز بيرارى لسىر
دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
ملassefde کە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
جزره باس ماركسىم دەكەن. جزوج لوكاش^(۲۵) بىدەكەم زانای
ماركسىي نەم سەرەممە دادەنرى، كە بىز بەكم جار هۇلۇي دا
ماركسىم لەناو گۈمى دۆگانىيەكى رىزگاركەن و سىمايىدەكى
مرۇقىتىيەن بىداشىن. ئەنگەر ماركس بىرلەي سەرسەتىي
نەيدە تواني باس دىالىيەتكىن دەكارىكەن بکات و لە تۈزۈيەوە
دەست پەن بکات. وەکوچو وقان ماركس و سازارتى نامۇنى
رووادۇنۇكى مىۋۇسى دادەننى، نەوەكى حالەتىنىكى مىتافىزىكى و
كىشىدەكى لە دەسلامان و تواني مرۆز بەددەر. ماركس وکوچو
شاگىردىكى هېگل تۈزۈيە تايىدەپلىستەكى دوپەرەر نەركەنەتەوە و
پېچىندەنەكى تاپۇرۇرى بۆ دامەززەنەر، بە راي نەم زانای نامۇنى
لەگەن مولۇكىتىن تايىدەپلىستە سەرەللەدەت و بە لەنوارىدىن مولۇكىتى
تايىتەش لەغا دەچىت. لە کۆمەلگانى سۇشىالىستىدا چىشى كىركلار
دەبىت بە خاۋارنى بەرەممەكى و كەس نەوانى ئىلى داگىر كات.
بەرەممە كە مەوزۇغىتىي زات دەرەدەخات جارىكى تر دەگەرلىشەر بۆز
زانە بەرەممە هېنەرەكە و دەبىت بە مولۇكى. ماركس دىساندە
بەرەممە كە هېگل دەدانەر و مەوزۇغىتەت لەم قۇنالەخ كۆمەلەتىيەدە
كە چەوساندە مرۆز تىبا روونادات، بە نامۇنى دانانى.

۳- بروانه؛ Kant, Immanuel, Critique of Pure Reason, trs., by Max Muller, Anchor Books, New Yourk, 1966, A: 50-B: 74.

4- بروانه؛ Hamlyn, D. W., Schopenhauer, Routledge and Kegan Paul, London, 1980. P. 6.

5- هەمان سەرچاره، لابەر^(۱) ۱۸۶۳-۱۸۱۹ (۱۷۶۴-۱۸۱۰) بەكەنکە لە راپەرانى

6- جاكىنى، هابىغى فەرىدى^(۲) (۱۸۱۰-۱۸۶۲) بەكەنکە لە راپەرانى
بۇتەتەرەي رەماتىنکى تەنلىانى، ذى فەلسەفەكى كات و سەتسا. لەپاۋەرەدە
مۇلۇز لە زىنگى هەست كەنەنەر، فەرىدى كەن نەپەنلىكى مەيتا- ماتىلىپانسى.
7- شلاپار ماخار، فەرىدى كەن نەپەنلىكى دايان^(۳) (۱۸۱۴-۱۸۶۸) زاناتىكى
تەنلىانى و بەكەنکە بۇر لە شاگىرى بۇتەتەرەي رەماتىنکى.

8- بروانه؛ Solomon, Robert, C. In the spirit of Hegel, Oxford University Press, New York, 1983. p. 35.

9- بروانه؛ Kant, Immanuel, Critique of Judgement, trs. by Bernard, Hafner Publishing Co., New York, 1951 Section 65.

10- بروانه؛ Lukacs, George, The Young Hegel, trs., by Rodney Livingstone, Merlin Press, London, 1975. p. 243.

11- هېگل فەلسەفەكى ئىزلىكى زات فەلسەفە ئايىدەلەزىمىيە نا- دىالىيەتكىكى بەكان مەمەشە جىاڭىردىتەوە. چۈنكە تايىدەلەزىمىي نا- دىالىيەتكىكى
بۇر اىلەي كەن دەدانەر و پەرسەنەن نېيە (بروانه).

12- Rader, M. Marx, Interpretation of History, oxford University press, New York 1979 p. 6-7.

13- بروانه؛ Hegel, Philosophy of Nature, (3 Volumes) trs., by M. J. Petry, Allen and Unwin, London 1970. Stace, W.T. The Philosophy of Hegel (part III) Dover Publications, New York reprinted, 1955. pp 298-310.

14- هېگل و شىلنجى خەنەنەيان بىنگەرە تەوار كەردووه، هەرچەندە شىلنجى
پېنچ سال لە هېگل بېرۇكتىر بۇر، بەلام نۇزىت تارىانىگى بېيدا كەردووه و بە زانايەكى
مەذن اناسراوه و لە پېش ھەلگىشىدا لە زاناتىكى جىشىا بۇر بە مامۇستايى قەلسەفە،
وکوچو (نامۇنى زاتى، راپاپارى، كۆمەلەتىت...). هەنەر لەگەن تامۇنى
تاپۇرۇدا لەناندەچىن، كەباپو تامۇنى تىرىش هەيدە كە ماركس باسى
خىزى بە شاگىرى شىلنجى دادەندا و لەپەر رۇشانىپ بېرپاۋەرەكائى شىلنجىدا وەختى

چەپپەرەكائى، بەلام جىاوازىبەكى گەدورە لە نىۋاتىياندا ھەيدە، ماركس
لەم رەرەدە دەلىن: «دىالىيەتكىكى من وەتەنەن تەتها لە دىالىيەتكىكى
ھېگل جودا بېت، بەلکو دەزى سىستەمەكى هيگلە». ^(۲۶) نامۇنى
كىنچەر پەپەنەتىيەكى راستەخۇرى بە دىالىيەتكىكى كاركىدىن ھېگلەدە
ھەيدە. دىالىيەتكىكى كاركىدىن شىۋىزى و پراكتىسى بەيدە كەدە
پەستتەرە، بەلام تىا تىزى پېش كاركىدىن دەكەرە بىان كاركىدىن
تىزى دەرەتتە دەكەت: باوا تېنە گەننەن نەم پىرساپار بەرەر زەنەنەي
و شەرە كەتەنەتە دەكەت، ماتىيەتىمان دەبات، يا
دەمانگەنرەتىتەوە سەر مەسىلەتى مىرىشى و ھېلگەنەكە. هېگل و
ماركس ھەرچەندە سەر بە دو فەلسەفەي جىاوازىن، لە نامىتى نەم
پىرساپاردا يەك و لەمپان ھەيدە، تەۋىش پېش خەستتى تىزى بەيە
ماركس زۇر بە تاشكرا كارنەكى مۇرقانەن و ھەيدەن جودا
دەكتەدە^(۲۷). كارەكائى مرۆز بە تاۋازان Rational. ھەيدە
نەھەنەي كارى پکات بىرر لى دەكتەنەوە و مەستە كەشى للا شاسکرا
و رونون، تەنچا بيرارادنیش لسىر کارىك ھەلپاردن و سەرسەتىي
مرۆژهه كە پيشان دادات. من نامەنی لېردا ماركسىم لە روغانىيەكى
و جوچيادونو لېك بىدەمەو، بەلام هەممو كارىكى بە تاۋۇز و
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بيرارى لسىر
دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگانىيەكىو، وکوچو چۈن مەلاقان لە تاپىن دەدون، نەمانىش بەو
ھۈشمەندان لە زاتى مرۆژهه رى دكەت و مرۆز بەرەر لسىر
دادات. دادات. ماركسىم تەرتەزۈكىسىه کان نەيازىراو، پەنخە بىز نەم لە يەنەن
فەلسەفە كە مارکس راکىشىن و ماركسىتىيان خىستتە تاو بۆتەيدەكى
دۇگ

هیئتندۀ لهناو کالاهه تائیزی پاسی گورد لینیشتووی کون و بیکلکلکدا گیریان ته خواردوو.

لهم روانگادوه، که چار له «مامزستای کورد» بکدین، بدرای من نزدکم مدیمه. جاري چونکه گوچارنیک کوردیمه، ناتوانی و نابی خزری تینکله‌لاری گیربرگرفتی میژوویی و هاوکاتیش ندما، بدلام با هدر لیزه نهادوش پائیم، ثم کارهشی دهیم و دک گوچارنیکی نهادیم و هوندری و روکاپیرانه بینت. کومدلگای کورده و اواری چونکه هدمیشه له بگه و بدرده و نازارودا بورو، تروشی زنر گیشه و دده و نازار هاترمه، که رسیده میژوویان هدیه. زیارت له هدمو شت و رونگ پیوستی به فیروزون و تائیکردنوه له هدل و مرجهنیک هیندی و هینردا هدیه، و دک پاستراناک گوتوبیدتی: «له سردهمه جهنجیال و پر تازاره کاتیشدا، پیوسته به هیضنی پیونک بینده»، جا لهم سردهمهی نیمهه پر تازاره وتر هدهید؟ نه‌گهر بدوی روونت درونم دهیم؛ بونهه تو پاسه که داوی نووسینی سرورتاره کهی نیمهه: که ته هیشتله له خام تاگهی...» درباره‌ی «همن»؛ شاعیر و «هین»؛ تینکوشدری سیاسی، همراهه تازار، زنر پاسنیکی جوان و بدهجنه‌گه بورو، به تایمات که شیوه‌ی دمه‌قاله و ده‌برپنی را و هله‌نیستی دمه‌لاهنه‌ی هدویو، چونکه ندو پاسانده له را بوردووا نووسه‌ران و هوندرمه‌ندانی میله‌تلاتانی دیکه زنر لهم پاسه دوان و نزدیان لمسه نویسیمه. نووسینی دویویه‌ری ندو مساله‌ده بدهشیانزکی کلاسیک و گفتش ندو تام و چیزه‌ی نبیه و دک تاگاده بورون له نزد و رای نووسه‌ران و شاعیرانی نیستای کورده توانی هدیه. من کوره دهدرو ندو چزره پاس و خواستane له چارچونه‌ی بیری کوردانه‌ها نامس و بیستم.

پاش به حال خرم همروه گات تیغیو خوندنه‌ده و پیستی رده‌خنه و لینکلینه‌ده و دمه‌دقیقی هونه‌رمندانه و زانتستانم درباره‌ی هر مساله‌ده بکه هونه‌ری و نده‌دهی، که په‌بوونه‌ی به فرده‌نگی میله‌تلاته‌ده کمانه‌ده بینت. ته‌وosh دیاره گرانی و فراواتی ندو مساله‌له ده‌گه‌تیت. نیمه له جهیانیکی تاییدت به خزاندا ده‌زین، لینک هدایه‌ری، لینکیان هسلپاندوون، هرگکس‌دهی له قزوینیکدا به ماته ماته قالم بدمسر کاخ‌غذا دهیتی و په‌تمه‌مایه جهیانی بیه‌زهی دویویه‌ری سه‌روزیکا و سره‌لئونی دایه‌ریت‌شده. له چوارلاوه دیویزه‌ی دری دز به هوندری راسته‌قینه سیله‌ی لئی ده‌گرن، که قله‌لهمه بزیه له دهستان پفرین، له هدل و کاتیکی تاواه داشاعیر و نووسه‌ر ده‌زی و دهنوسی.

جا نه‌گهر قله‌لمنیکی له زده‌برتی خزمانه، زمانیکی به‌کارت و کارا‌مترت یا دنه‌نگیکی دل‌سوز و به‌گور نهی، که پدیتا په‌تاره‌هی ندو هونه‌رمندانه سه‌نگ و سوک پکا، سعد‌مخابنی و دک گوچنیکی بدر سینه‌ری دیواریک که خزده‌تاری بلاوینی لئی درون کراوه، ورده و رده سیس دهی و هدل‌پروکی. رده‌خنه، لینکلینه‌ده، هداسنگاندن و سه‌نگ و سوک که کدنی هدمو لایدنی نووسه‌ران و تار و کتیب و ته‌ناتد داب و تدریتی خزمانی چراهه که و دک ندو فائزه‌ی په‌ستینی ده‌ریا، که گه‌هیان به تیشکی شواندنه ندو له مترسی نوچون بون و تینکشکان رزگار ده‌بن. هار لهم روان‌گه‌ده، ندو و تاره‌ی لمسه و ندو سی گوچاره‌ی نادم بردن گه‌رچن لهدیر لهدیر هزی سیاسی خزینه ته‌والو له مساله و روواده‌ی هاوکات شاردت‌ده، به‌لام زنرکم تووش ندو گیربرگرفته‌هه هاتونون که له ده‌رده‌ده باسم کردن. یانی بیه‌نده‌ی نووسه‌ران و کاتیان له باری نده‌بیبه‌ده تووشی فه‌قری بیهی، له‌باره‌ر، تا گوچارنیکی بیه‌لایدن.

نماد سی گوچاره‌ی نادم بردن گه‌رچن لهدیر لهدیر هزی سیاسی خزینه ته‌والو له مساله و روواده‌ی هاوکات شاردت‌ده، به‌لام زنرکم تووش ندو گیربرگرفته‌هه هاتونون که له ده‌رده‌ده باسم کردن. یانی بیه‌نده‌ی نووسه‌ران و کاتیان له باری نده‌بیبه‌ده تووشی فه‌قری بیهی،

Clarendon Press, London. 1928.

هگل، op. cit. p. 150: ۲۴ بروانه: مانند مفهوم پوچر و مفهوم مفهومی پوچر. راسته شنیدنگ تا زیر روی درستور همکاری، به این ترتیب نازاری نمود تزیین شنیدنگ داویه تهیه پال هیگل تا ج را داده بود که درستور، دواز مردنی هیگل جانشینی کرد تا شنیدنگ بروجود به ماموزستا له زانکنی بدل شد. نهایتاً، تمهیس و کیرکی گاردن شادمادی لینکچه ره کانی دیپرون. بروانه: Harris, H. S., op. cit., p. xxiv

Marx, Karl, Capital, vol. I, Afterward to the - ۳. پروانه: second German edition 1873, progress publishers, Moscow 1974.

بریتیا و درگاه ایوانی پین، دکتر اولن تمم به دهه‌های پیشتر نوشته شده؛ Lukacs, George, history and Class consciousness, trs. by Rodney Livingstone, Cambridge, MIT Press 1971.
Kain, J. Philip, Marx' Method, Epistemology and Humanism, D. Reidel Publishing Co., Holland, 1986.

owski, Leszek, Main Currents of Marxism, Vol. 1, translated from Polish by P. S. Falla, Oxford University Press, New York 1981.

۳-۳- نادم شاف له سالی ۱۹۵۹ تا سالی ۱۹۶۸ نهندامی که میتهای نهاده
پارسی کومونیستی پژوهندۀ بروه. لسسر ثهم رایه‌ی لد سالی ۱۹۶۸ ادا لد هه پارسی
گردید.

- رجیه کاروودی نتمانی مدکنی سیاسی پاریس کومونیتی بور. سالی ۱۹۷۱ له پاریس درگرا. له سالی ۱۹۷۳ له کونکرگر کافنکا له پیکنکسلزٹاکیا بهسترا گوتی: «وکو و مارکسید دنیان کافنکاره فیرین چون بدراهمر نامیم پنهانگئین». بروانه: Mandel and George Novack, The Marxist Theory (New York: Pathfinder press, 1976) p. 10.

of Princeton, Pathfinder Press, New York, 1970, p. 10.

کۆمەلەی ھونەرە جوانە کانى كوردستان لە ئەمەريكا

هونه مردم‌ندي ناسراوي کورد کاک جدمال بهختيار، که سدرزکي کوزمده‌لية، نامديه‌کي په ههست و سوزى کوردانه و هونه مردم‌ندي بز ناردوين، که به سوپايسهوه نمه‌منده‌ي لي بلاؤده‌کهينهوه: (ندوهي شياوري باسه: په پيدا یوونى «مامۆستاي کورد»)، لەم کاتتى ئىستايىتى كوردداد، ماناي تەركىدنى لېنۇ پاپارو كەردىنى زيانى نەتكەرە كەمانە، كە زۇر لە مىزە دۈرەمنە رەگەزى يەرسەتكان ويستىيانە و دەيانەوى وشكى كەن و بەلکو لە بندى بېرىن... و درپدانە چاڭى گلائۇيان بەللادا كەرددووه و بازىزىي نامەر دىيابان بەنیازى تواندەنەوە و لەتاوبرىدىنى لي ھەللىكىردووه ... بىنگومان ھاتتنە كايدى گۇفارىنىكى وا... سەنگەرنىكى و ئۇچىزىي، بۇي پەرانىھەر دۈرەمن ساز دەكتا...»